

سه‌شنبه ۴ آذر ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۴۷۱

ورزشی

نگاه

ایستادگی شگفت‌انگیز فوتبال‌بلیست‌های معلول غزه برابر خشونت آدمکش شکست‌ناپذیران

غزه صحنه روایتی تلخ اما الهام‌بخش بود؛ روایتی از انسان‌هایی که گرچه جنگ جسم‌شان را زخمی کرده اما روح‌شان را نه. در شهری که بیش از ۲ سال است زیر بمباران بی‌وقفه قرار دارد، مسابقاتی برگزار شد که قهرمانانش یا پا دست نداشتند اما اراده‌شان از فولاد محکم‌تر بود. مسابقات «قهرمانی امیدها» با حضور فوتبال‌بلیست‌هایی برگزار شد که اعضای بدن خود را در حملات ددمن‌شانه ارتش صهیونیستی از دست داده‌اند اما هنوز ایستاده‌اند و بازی می‌کنند.

در این ۲ سال، رژیم اشغالگر بیش از ۴۰۰ فوتبال‌بلیست را به شهادت رسانده و هزاران ورزشکار را معلول کرده است اما همان‌طور که «لیلا حامد» خبرنگار مارکا گزارش داده، هیچ‌یک از این خشونت‌ها نتوانسته روح ورزش را در غزه خاموش کند. آنها با عصا، پای مصنوعی، یا حتی فقط با یک پا وارد میدان شدند و به دنیا اعلام کردند اراده و امید را نمی‌توان بمباران کرد.

در چمن‌های ساده و ناموهار غزه، بازیکنانی دیده شدند که آینده ورزشی‌شان نابود شده اما رویای‌شان نه. کودکانی که روزی برای تیم‌های محله‌شان بازی می‌کردند، امروز با یک پای قطع‌شده به دنبال توپ می‌دویدند؛ گاهی می‌افتادند اما دوباره بلند می‌شدند. این مسابقات فقط فوتبال نبود؛ نمایش زندگی بود. پیامش روشن بود: «بدن ما را ناقص کردید اما روح ما نه». غزه با تمام زخم‌هایش امروز ثابت کرد تسلیم شدن انتنها آنها نیست؛ حتی وقتی زمین بازی‌شان با خون و خاکستر آمیخته است.

گزارش

بررسی کارنامه ایران در ریاض بدون خطای مقایسه‌ای تصویر واقعی



برای نتیجه‌گیری‌های شتاب‌زده تبدیل می‌شود. ششمین دوره بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی در ریاض نیز از این قاعده مستثنا نبود. کاشش تعداد مدال‌های طلای ایران از ۳۹ طلا در قونیه به ۲۹ طلا در ریاض، خیلی زود دستمایه تحلیل‌هایی شد که افت کاروان ایران را امری قطعی و غیرقابل انکار جلوه دادند؛ در حالی که یک نگاه دقیق‌تر و تحلیلی نشان می‌دهد داستان چیز دیگری است. نخستین نکته مهم، تغییرات ساختاری میان ۲ دوره است. سیستم توزیع مدال‌ها در ریاض به طور چشمگیری کوچک‌تر شد. در قونیه ۳۷۹ مدال طلا توزیع شد اما در ریاض این عدد فقط ۲۷۰ تا بود؛ یعنی یک کاهش ۳۰ درصدی. بنابراین طبیعی است تعداد مدال‌های تیم‌ها نیز کاهش یابد. مقایسه خام مدال‌ها بدون در نظر گرفتن چنین تغییر بزرگی، تنها یک خطای محاسباتی نیست، بلکه تحریف واقعیت است.

از زویه رقابت با کشورهای اصلی نیز عملکرد ایران حتی درخشان‌تر می‌شود. ترکیه قهرمان دوره قبل از ۱۴۵ طلا به ۷۲ طلا سقوط کرد؛ اذ ۵۰ درصدی. ازبکستان نیز از ۵۱ طلا به ۲۹ طلا رسید؛ افتی ۴۳ درصدی. ایران اما از ۳۹ طلا به ۲۹ طلا رسید؛ کاهش ۲۶ درصدی. به بیان ساده، ایران در میان ۴ قدرت اصلی، کمترین افت را داشته و بهترین حفظ جایگاه رقابتی را تجربه کرده است. شاخص بعد که اهمیت زیادی دارد، بازدهی کاروان است. در قونیه ۲۵۴ ورزشکار اعزام شدند و تنها ۵۲ درصد آنان مدال گرفتند اما در ریاض با وجود کاهش تعداد اعزامی‌ها به ۱۹۱ نفر، ۷۰ درصد اعضای کاروان موفق به کسب مدال شدند. این یعنی کیفیت جای کمیت را گرفته و سیاست اعزام هدفمند به درستی جواب داده است.

عمق مدال‌آوری نیز یکی از معیارهای مهم موفقیت کاروان‌های چندرشته‌ای است. ایران در ریاض در ۱۹ رشته ۲۰ رشته اعزامی صاحب مدال شد و در ۱۱ رشته مدال طلا گرفت. این گستره مدال‌آوری در مقایسه با ترکیه (۱۶ رشته مدال اور) و ازبکستان (۱۴ رشته مدال اور) نشان می‌دهد ورزش ایران برخلاف تصور برخی منتقدان، در انتها تکتبعیدی عمل نکرده، بلکه از تنوع و عمق بیشتری برخوردار بوده است.

اما شاید بزرگ‌ترین نقطه روشن رویداد ریاض، جش تاریخی ورزش زنان باشد. سهم بانوان از کل مدال‌های ایران از ۱۷ درصد در قونیه به ۴۱ درصد در ریاض رسید و ۳۸ درصد طلاهای کاروان را کسب کردند. این عدد فقط یک آمار خشک نیست، بلکه نشان توسعه واقعی ساختار ورزش زنان، افزایش استعدادها و شکل‌گیری نسل تازه‌ای از قهرمانان است. چنین رشدی هرگز حاصل یک دوره مقطعی یا خوش‌شانسی نیست و نیازمند سال‌ها زیرساخت، برنامه‌ریزی و حضور در میادین بین‌المللی است. البته هنوز رشته‌هایی وجود دارند که نیازمند بازیبنی جدی‌اند و برخی ناکامی‌ها باید شفاف و دقیق تحلیل شود اما آنچه روشن است این است که نگاه مصفانه به داده‌های رسمی نشان می‌دهد کاروان ایران در ریاض نه‌تنها دچار سقوط نشده، بلکه در شاخص‌های مهم - از حفظ رقابت با قدرت‌ها گرفته تا بازدهی، تنوع مدال‌آوری و پیشرفت تاریخی زنان - عملکردی قابل دفاع و حتی بالاتر از دوره قبل داشته است.

واقعیت این است: داستان ریاض، ماجرای عقبگرد نیست؛ روایت یک پیشرفت آرام و پیوسته است.

نشانه‌های آشکار جدایی تدریجی در تیم ملی بین تاج و قلعه‌نویی

پرسه‌بین تردید و تغییر

تیم ملی فوتبال ایران این روزها در میانه بحرانی ایستاده که هر لحظه ابعاد تازه‌تری پیدا می‌کند. آنچه پیش چشم فوتبال‌دوستان ایرانی جریان دارد، فقط یک افت فنی یا چند نتیجه کم‌جان نیست؛

یک فرسایش آرام و پیوسته است که رابطه میان تیم ملی و جامعه را دست‌خوش دگرگونی کرده. در چنین فضایی، هر جمله‌ای از زبان مدیران بالادستی فوتبال وزنی دوجندان پیدا می‌کند و همین‌جاست که سخنان اخیر مهدی تاج، نه‌تنها آرام‌بخش نبود، بلکه انگار آتش افروخت.

ایران در آستانه حضور در جام‌جهانی ۲۰۲۶ با چهار ده‌ای مطمئن، جذاب و رو به رشد نشان دهد اما تصویری که از بازی‌های ملی بیرون می‌آید چیزی جز سایه‌های تردید نیست. تیمی که قرار بود پس از یک دوره طولانی حاشیه و افت روحی دوباره روی پا بایستد، حالا میان ۲ لبه چپچی گرفتار شده؛ منتقدانی که از عملکرد تیم سرخورده‌اند و کار فنی‌ای که تلاش می‌کند از میان آمارهای ظاهراً امیدوارکننده، تصاویر خوش‌رنگ بسازد.

■ شکاف عمیق‌تر از آنچه دیده می‌شود

هرچه زمان می‌گذرد، اختلاف میان کادر فنی و فضای عمومی فوتبال بیشتر به چشم می‌آید. بازی‌های اخیر برابر کپ‌پورد و ازبکستان، نه‌تنها شوقی در هواداران برن‌بینیخت، بلکه نشانه‌ای دیگر بود از اینکه تیم ملی در یک دور باطل گیر افتاده. فوتبال

تیم‌های پلی‌آف اروپا در سید ۴ قرار می‌گیرند و این موضوع ممکن است باعث دردرس جدی برای تیم ملی در جام‌جهانی شود. امید ایران برای قرار گرفتن در گروه آسان در جام‌جهانی ۲۰۲۶ به این بستگی دارد که آیا فیفا تصمیم می‌گیرد تنها چند روز قبل از قرعه‌کشی، تغییر عجیبی در قانون ایجاد کند یا خیر؟ تاکنون ۴۲ تیم رسماً به مسابقات ۴۸ تیمی راه یافته‌اند و تنها پلی‌آف اروپا و پلی‌آف بین‌کنفدراسیون‌هایی مانده که فروردین ۱۴۰۵ برگزار خواهد شد اما قبل از آن، قرعه‌کشی رسمی کمتر از ۲ هفته دیگر در واشگتن برگزار می‌شود.

۱۲ گروه مسابقات متشکل از ۴ تیم، بر اساس رتبه‌بندی

بی‌رق، بی‌ریتم و بدون خلق موقعیت‌های مؤثر و مشت‌بازیکن سیر، مسن، اشباع‌شده و بی‌انگیزه باعث شد در پایان ۲ مسابقه، نه‌تنها نتیجه مطلوب نباشد، بلکه احساس مردم نسبت به تیم ملی هم فروتر برود. البته غیبت سردار آزمون و افت عجیب طارمی در بازی‌های ملی نقش بسزایی در این بحران دارد. این ۲ جوړکش همه کمبودها در چند سال اخیر بودند.

اما مساله فقط زمین چمن نیست. رفتار فته‌البدیات برخی افراد نزدیک به تیم سمت‌وسویی پیدا کرده که عملاً مردم را از جایگاه اصلی‌شان بیرون می‌گذارد. واژه‌هایی که گاه از زبان طرف‌افیان تیم ملی شنیده می‌شود - تحقیر هواداران، نسبت دادن نقدها به دشمنی شخصی یا زیر سوال بردن فهم عمومی - زخم‌هایی است که درماتش به راحتی ممکن نیست. تیم ملی همیشه میراث مشترک همه بوده اما حالا روایت رسمی بعضی‌ها، مردم را در جایگاه «مزاحم» یا «بی‌اطلاع» می‌نشاند؛ خطایی که بزرگ‌تر از یک اشتباه فنی است.

■ چرخش ناگهانی تاج؛ تغییر موضع یا تاکتیک؟

در این آشوب، ناگهان صدای کسانی بیرون آمد که انتظار می‌رفت در صف منتقدان باشد: مهدی تاج، رئیس فدراسیون که هفته‌ها به‌خاطر سکوت و همراهی‌اش با کادر فنی زیر دره‌بین بود، این بار لحنی متفاوت داشت؛ لحنی که برای بسیاری مثل یک پیام رمزگناری‌شده به نظر رسید. وقتی تاج گفت: «هیچ‌کس حق ندارد از نقد مردم فرار کند»، در ظاهر دفاع از مردم بود اما در باطن نشانه‌ای بود از اینکه در ساختمان فدراسیون هم آرامش

به پایان رسیده.

او به نرمی اما صریح یادآوری کرد «حمایت عمومی، بدون شفافیت و احترام به هوادار ممکن نیست». این جمله‌ها ساده‌اند اما در متن این روزها، معنای بزرگی دارند: گویی بازگشت تیم ملی به آغوش مردم، نیازمند تغییراتی است که تاج حالا مجبور شده به آن اشاره کند؛ حتی اگر این اشاره، ناخودآگاه، تیری باشد که به سمت سرمربی رها شده.

این نخستین بار نیست که میان رئیس فدراسیون و سرمربی

تیم ملی شکافی پنهان باشد؛ تاریخ فوتبال ایران پر است از چنین گسل‌هایی اما این بار تفاوت در زمان‌بندی است؛ درست در آستانه حساس‌ترین تورنمنت دهه اخیر، درست وقتی فشار افکار عمومی بی‌سابقه شده و درست وقتی تیم ملی بیش از هر چیز به آرامش فکری نیاز دارد.

■ کدام مسیر در انتظار تیم ملی است؟

حالا پرسش اصلی این است: آیا انتقادهای تاج فقط یک حرکت تاکتیکی برای فاصله گرفتن از موج نارضایتی است یا آغاز یک تغییر واقعی در ساختار تصمیم‌گیری تیم ملی؟ پاسخ این سوال فعلاً مبهم است اما اگر روند فعلی ادامه یابد، نمی‌توان انکار کرد نیمکت امیر قلعه‌نویی بیش از هر زمان دیگری لرزان شده است، واقعیت این است که تیم ملی تنها با پیروزی‌های پرگل یا نتایج خوب احیاء نمی‌شود. بحران امروز، یک بحران عاطفی و ذهنی است؛ شکافی که با بازی زیبا ترمیم می‌شود، با رفتار درست عمیق‌تر نمی‌شود و با احترام به افکار عمومی جان تازه می‌گیرد. هوادار

قرعه‌کاپوس‌وار در انتظار تیم ملی؟

ممکن است تیم‌های آسیایی و آفریقایی با دردرس روبه‌رو شوند و در گروه دشواری قرار گیرند. بدترین گروه ممکن که ایران می‌تواند در آن قرار گیرد، گروهی شبیه این است: آرژانتین، ایران، نروژ، ایتالیا، (پلی‌آف اروپا)

گلان‌های جام‌جهانی (اگر تیم‌ها به طور معمول سیدبندی شوند)

گلان‌یک: آمریکا (میزبان)، مکزیک (میزبان)، کانادا (میزبان)، اسپانیا، آرژانتین، فرانسه، انگلیس، برزیل، پرغال، هلند، بلژیک، آلمان

گلان ۲: کراسه، مراکش، کلمبیا، اروگوئه، سوییس، ژاپن، سنگال، ایران، کره‌جنوبی، اکوادور، اتریش، استرالیا

لوزوم بر خورد قاطع با سهرابیان که این روزها وسط حاشیه هر از گاهی فوتبال هم بازی می‌کند!

آقای گل به خودی

پیامک و تعهدنامه نمی‌توان درمان کرد. رفتارهای قبلی سهرابیان فقط اشتباه فردی نبود؛ نشانه‌ای از نبود تمرکز، عدم احترام به ساختار تیم و فاصله گرفتن از روح حرفه‌ای فوتبال بود. مدافعی که امروز نیمکت‌نشین‌اش بیشتر از توانایی‌اش دیده می‌شود، نمی‌تواند با یک عذرخواهی ساده خود را در جایگاه قبل قرار دهد. فوتبال حرفه‌ای یعنی مسؤولیت‌پذیری، نه انداختن تقصیرها گردن تاریخ، گذشته یا رسانه‌ها.

استقلال در سال‌های اخیر بارها تحت فشار حاشیه‌ها بوده و هر بار تلاش کرده مسیر را آرام جلوه دهد اما تجربه نشان داده «هاست‌مالی» هیچ‌گاه نتیجه‌ای جز تکرار اشتباهات

ندارد. وقتی بازیکن بداند حداکثر تنبیهش یک جریمه بی‌اثر است، چرا باید از خطوط قرمز بترسد؟ چرا باید مراقب رفتار و گفتارش باشد؟

در ماجرای اخیر نیز برخی مدیران باشگاه ترجیح دادند نقش قربانی را برای استقلال بسازند و انتشار ویدئو را «تلاش برای برهم زدن آرامش تیم» بدانند. این نگاه غلط است؛ مشکل نه رسانه‌ها هستند و نه شبکه‌های اجتماعی. مشکل اصلی بازیکنی است که با انتخاب‌های غلط خودش زمینه چنین بحران‌هایی را فراهم می‌کند؛ اگر بازیکن حرفه‌ای باشد، هیچ رسانه‌ای نمی‌تواند او را وارد درسر کند.

حالا قرار است پس از برگزاری یک جلسه انضباطی دیگر، سهرابیان به تمرینات برگردد اما آیا این بازگشت محدود به یک تعهد کاغذی خواهد بود یا نقطه پایان یک دوره بی‌مسؤولیتی؟ اصلاح سهرابیان و بازیکنانی نظیر وی فقط یک راه دارد: برخورد واقعی، نه نمادین. استقلال باید یادآوری کند پیراهن این تیم حرمت دارد و هر کس آن را بر تن می‌کند باید ورزش را بفهمد.

نبرد شجاعانه تیم فوتسال دختران برابر برزیل

باختیم اما اول راهیم



آن با هیچ نتیجه‌ای قابل مقایسه نیست. اشک‌های مهسا پس از پایان بازی، تصویری از تعهد و جسارت نسل جدید فوتسال زنان بود؛ نسلی که آمده تا فاصله‌ها را کم کند، نه اینکه مقابل بزرگان جهان سر خم کند. همین روحیه



ایرانی پیچیده نیست؛ او تنها می‌خواهد دیده شود، شنیده شود و در مقام شریک اصلی تیم ملی به رسمیت شناخته شود. این روزها اما تیم ملی در قاب دیگری دیده می‌شود: گروهی منزوی، کم‌حوصله و شاید بیش از حد حساس به نقد. این تصویر، برخلاف آنچه طرف‌افیان تیم ملی تلاش دارند نشان دهند، از نگاه مردم پنهان نمی‌ماند. فوتبال برای مردم ایران فقط یک بازی نیست؛ یک خاطره جمعی است، بخشی از هویت روزمره، چیزی که با شادی‌اش خیابان‌ها جان می‌گیرد و با غمش سکوتی سنگین بر شهر می‌نشیند.

■ تاج در آزمون خودش

اینجا همان نقطه‌ای است که باید به پرسش آخر متن رسید: آیا تاج فقط توصیه می‌کند یا خودش هم آمده شنیدن نقد است؟ آیا او که از کادر فنی می‌خواهد پاسخگو باشد، خودش نیز به مردم پاسخ خواهد داد؟ آیا صدای اعتراض جامعه را یک اخطار واقعی می‌بیند یا آن را صرفاً یک موج گذرا می‌پندارد؟

پاسخ هر چه باشد، زمان زیادی برای تعارف باقی نمانده. جام‌جهانی نزدیک‌است. فشرده‌ها بالاست و نگاه‌ها دقیق‌تر از همیشه. اگر امروز تصمیم‌ها شفاف نباشد، فردا فرصت جبران نخواهد بود. رئیس فدراسیون نیست؛ روایتی است از فاصله تدریجی میان یک تیم و ملتی که سال‌ها پشتش ایستاده بودند. بازگشت به مسیر اعتماد، شجاعت می‌خواهد؛ چیزی که حالا باید در بالاترین سطح مدیریت فوتبال ایران جستجو کرد.

گلان ۳: نروژ، پاناما، مصر، الجزایر، اسکاتلند، پاراگوئه، تونس، ساحل عاج، ازبکستان، قطر، * عربستان، آفریقای جنوبی گلان ۴: اردن، * کپ‌پورد، غنا، کوراسائو، هائیتی، نیوزیلند، تیم یک پلی‌آف یوفا (ایتالیا، ولز، بوسنی و هرزگوین یا ایرلند شمالی)، تیم ۲ پلی‌آف یوفا (دانمارک، چک، ایرلند یا مقدونیه شمالی)، تیم ۳ پلی‌آف یوفا (ترکیه، اسلواکی، کروزیو یا رومانی)، تیم ۴ پلی‌آف یوفا (اوکراین، لهستان، آلبانی یا سوئد)، تیم یک پلی‌آف بین‌قاره‌ای (جمهوری دموکراتیک کنگو، نیو کالدونیا یا جامائیکا)، تیم دوم پلی‌آف بین‌قاره‌ای (عراق، بولیوی یا سورینام) * به دلیل محدودیت‌های قرعه‌کشی، ایران نمی‌تواند در قرعه‌کشی مقابل این تیم‌ها قرار گیرد.

پابرجاست

برخلاف برخی شایعات، محرومیت موقت مدافع استقلال پر حاشیه استقلال پابرجاست و او همچنان حق حضور در تمرینات را ندارد.

حواشی انتشار ویدئویی منشوری از آرمین سهرابیان همچنان ادامه دارد و نام این مدافع استقلال طی ساعات اخیر به تیرت یک رسانه‌های ورزشی تبدیل شده است.

طبق آخرین پیگیری‌ها بر خلاف ادعای برخی رسانه‌ها، محرومیت موقت سهرابیان پابرجاست و او همچنان حق حضور در تمرینات را ندارد.

فارس نوشت: مدیران استقلال قصد مداخلات با مدافع پر حاشیه خود را ندارند و در این رابطه به طور قاطع با سهرابیان برخورد خواهند کرد.

سهرابیان با انتشار یک استوری اینستاگرامی در رابطه با این ویدئوی جنجالی مدعی شد تصاویر منتشرشده از او مربوط به سال‌های قبل است و آن را نتیجه دشمنی برخی افراد با خود دانست.

دفاعیات سهرابیان آنچنان مورد پذیرش مدیران استقلال قرار نگرفته و باشگاه تا اطلاع ثانوی مجوز حضور در تمرینات را به او نخواهد داد تا تصمیم نهایی در قبال این مدافع پر حاشیه گرفته شود.

یکشنبه ثابت کرد اراده و نظم می‌تواند بخشی از آن فاصله را کم کند. مظفر نیز از عملکرد شاگردانش ابراز رضایت و تأکید کرد این تیم هنوز ظرفیت‌های پنهان زیادی برای ارائه دارد. دیدار دوم برای ایران اهمیت حیاتی دارد. فردا چهارشنبه ۵ آذر، ایران به مصاف پاناما می‌رود؛ تیمی که در نخستین مسابقه خود با شکست ۱۷- صفر مقابل ایتالیا روبه‌رو شد و نشان داد در فاز دفاعی آسیب‌پذیر است. سپس شنبه ۸ آذر، تیم ملی مقابل ایتالیا قرار می‌گیرد؛ رقیبی که در کنار برزیل ۳ شانس اصلی صعود از گروه‌اند.

طبق برنامه مسابقات، ۲ تیم برتر هر گروه راهی مرحله یک‌چهارم نهایی می‌شوند. این مرحله روزهای ۱۰ و ۱۱ آذر برگزار می‌شود. نیمه‌پای ۱۴ آذر خواهد بود و فینال و دیدار رده‌بندی نیز ۱۶ آذر برگزار می‌شود؛ مسیری فشرده و نفسگیر که می‌تواند سرنوشت تاریخی تیم ایران را رقم بزند. این شکست، پایان راه نیست؛ آغاز فصل تازه‌ای است که در آن زنان فوتسالبلیست ایران دیگر تماشگر تاریخ نخواهند بود، بلکه خدوشان بخشی از آن را خواهند نوشت.